

شده ای از

فضائل فوق العاده

امیر المؤمنین
علیه السلام

در سخن

پیامبر اسلام
صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اسلام
صلی الله علیه و آله و سلم
امیر المؤمنین
علیه السلام
در سخن
فضائل فوق العاده
شده ای از

۱۳ رجب، میلاد مسعود مولود کعبه، امیرالمؤمنین علیه السلام مبارک باد.

زمانی که جناب فاطمه بنت اسد، مادر بزرگوار امیرالمؤمنین علیه السلام و همسر عمومی فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله، جناب ابوطالب علیه السلام، باردار بود و زایمان او نزدیک بود، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله جناب فاطمه بنت اسد را نزد کعبه آورد و فرمود: با نام خداوند بزرگ بنشین و برای زایمان دعا کن.

او دعا کرد: خدایا به حق این خانه و آنکه آن را ساخت و به حق مولودی که در درون من است و با من سخن می‌گوید و مونس من است و یقین دارم یکی از نشانه‌ها و دلایل توست، زایمان را بر من آسان گردان.

در این هنگام ناگاه خانه کعبه از پشت شکافت و فاطمه بنت اسد وارد کعبه شد. شکاف دیوار به هم آمد. تلاش‌ها برای گشودن درب خانه کعبه نیز فایده نداشت. سه روز میهمان الهی در خانه خدا بود. داستان عجیب او بر سر زبان‌ها افتاد تا آنکه بعد از سه روز، ناگاه دیوار خانه خدا از همان نقطه دوباره شکافت و این بار فاطمه بنت اسد ماه‌پاره‌ای را در دست داشت که به آن افتخار می‌کرد و به فرمان الهی نام او را «علی علیه السلام» نهادند و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آن سال را سال مبارک و فرخنده نامید.

یکی از علمای اهل سنت گوید: علی علیه السلام قبله مومنین است و کعبه نیز قبله مومنین است. چه زیباست که قبله‌گاه مسلمانان، محل تولد حضرت علی علیه السلام باشد. منزه است خدایی که هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد.

در پس پرده هرچه بود آمد	اسدالله در وجود آمد
همتای علی نخواهد آمد هرگز	صد بار اگر کعبه ترک بردارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

اهمیت فوق العاده ذکر فضائل اهل البيت عليهم السلام

اهل البيت عليهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین عليه السلام، مظاهر حضرت حق هستند که توجه به آنها آدمی را به یاد خداوند و ارزشهای الهی می‌اندازد، همچون پرچمی که نماد یک کشور و ملت است.

به این جهت است که یاد اهل البيت عليهم السلام، یاد خدا است و آنها وجه الله هستند که اولیاء الهی به وسیله آنها به خداوند می‌رسند. در زیارت جامعه می‌خوانیم: مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ ... وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ؛ هر که خدا را می‌خواهد با شما شروع می‌کند و هر که قصد خدا دارد، به شما روی می‌کند.

و در دعای ندبه آمده است: أَيُّنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؛ کجاست آن وجه خداوند که اولیاء الهی به آن متوجه می‌شوند؟ امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ، وَإِذَا ذُكِرَ عَدُوْنَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۵ از کافی) همانا یاد ما از یاد خداست، ما چون یاد شویم، یاد خدا شده است و چون دشمن ما یاد شود، شیطان یاد شده است.

و حضرتش به داوود بن سرحان فرمود: یا داوود، سلام مرا به پیروان من برسان و به ایشان این کلام مرا برسان: رحمت خداوند بر بنده‌ای که با دیگری گرد هم آید (دو نفر شوند) و امر ما را مذاکره کنند، همانا سومی آنها، فرشته‌ای است که برای آنها استغفار می‌کند. هیچگاه دو نفر بر یاد ما

اجتماع نمی‌کنند مگر آنکه خداوند بلند مرتبه به آنها بر ملائکه مباحثات می‌کند، وقتی با هم جمع شدید مشغول آن ذکر باشید که در اجتماع شما و مذاکره شما (در مورد اهل البيت عليهم السلام) زنده شدن ماست و بهترین مردم بعد از ما، کسی است که امر ما را مذاکره کند و مردم را به یاد ما دعوت نماید. (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۸)

و فرمود: هیچ قومی نیست گرد هم جمع شوند و یاد خداوند عزوجل و یاد ما نکنند، مگر آنکه آن مجلس برای آنها روز قیامت حسرت خواهد بود. (وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۵۳)

فضائل بی‌شمار

۱. قال رسول الله ﷺ: لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْجِنَّ حُسَابٌ وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ لَمَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

(مناقب خوارزمی، کفایة الطالب، فرائد السمطين، کنز الفوائد، مائة منقبة، رک: دانشنامه امیرالمؤمنین عليه السلام، ج ۸، ص ۲۴۸ و بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۴۹)
پیامبر گرامی ﷺ فرمود: اگر درختان باغها قلم شود و دریا مرکب و جنیان حسابگر و انسانها نویسنده باشند، نمی‌توانند فضائل علی بن ابیطالب عليه السلام را شمارش کنند.

چگونه فضائل حضرت قابل احصا و شمارش باشد، وقتی در هیچ صفت روحی و مقامات معنوی و اقدامات بشری در هدایت خلق و خدمت به اسلام هم‌تا ندارد و همه بشریت مدیون او هستند. بلکه واسطه فیض الهی به آفرینش است، کسی که یک ضربه او در نبرد خندق از عبادت و اطاعت جن و انس برتر است.

ای کاش مردم ظرفیت داشتند!

۲. قال رسول الله ﷺ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ، لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَخَذَ الثَّرَابَ مِنْ أَثَرِ قَدَمَيْكَ يَطْلُبُونَ بِهِ الْبَرَكَاتَةَ.

(الكافي، الإرشاد، مناقب خوارزمی، المعجم الكبير، شرح نهج البلاغة و ... رك: موسوعه امام على عليه السلام، ج ۸، ص ۲۴۹)

پیامبر گرامی ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، اگر نه آن بود که گروه‌هایی از امت من در مورد تو سخنی را بگویند که مسیحیان در مورد عیسی بن مریم گفته‌اند (یعنی به خدایی تو معتقد شوند) در مورد تو، امروز سخنی می‌گفتم که بر هیچ مسلمانی عبور نکنی، مگر آنکه خاک پای تو را برای تبرک بردارند.

آری حضرتش فضائل سنگین امیرالمؤمنین علیه السلام را نگفت، با این حال فضایل او این همه گسترده شد و عده‌ای در مورد او غلو کردند.

فضیلت یاد امیرالمؤمنین علیه السلام

۳. قال رسول الله ﷺ: ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبَادَةٌ، وَ ذِكْرِي عِبَادَةٌ، وَ ذِكْرُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبَادَةٌ، وَ ذِكْرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبَادَةٌ.

(الاختصاص، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰)

پیامبر اسلام ﷺ: یاد خداوند عزوجل عبادت است و یاد من عبادت است و یاد علی علیه السلام عبادت است و یاد امامان از فرزندان او علیه السلام عبادت است.

بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، هیچ!

۴. قال رسول الله ﷺ: يَا عَلِيُّ عليه السلام لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ عليه السلام فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ جَبَلٍ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمُرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ عليه السلام لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا.

(مناقب خوارزمی از اهل سنت، مناقب ابن شهر آشوب، الغدير، ج ۲، ص ۳۰۲)
پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: یا علی عليه السلام؛ اگر بنده‌ای خداوند را به مقدار عمر نوح عليه السلام عبادت کند و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند و آنقدر عمر کند که هزار مرتبه با پای پیاده حج نماید و سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود ولی تو را دوست نداشته باشد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند و وارد آن نمی‌گردد.

و در حدیث دیگری فرمود: یا علی عليه السلام اگر امت من آنقدر روزه بگیرند که خمیده شوند و آنقدر نماز بخوانند که مانند کمان لاغر شوند، سپس کینه تو را داشته باشند، خداوند آنها را با صورت به جهنم می‌افکند. (تاریخ ابن‌عساکر، کفایة کنجی، مناقب ابن‌مغازلی و دیگر محدثین اهل سنت، رک: الغدير، ج ۲، ص ۳۰۲)

شبيه پیامبر ﷺ

۵. قال رسول الله ﷺ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

(مناقب خوارزمی، صحیح مسلم، مستدرک حاکم و جمع زبیدی از علما اهل سنت که حدیث را صحیح شمرده‌اند، رک: الغدير، ج ۳، ص ۲۰۰)
رسول اکرم ﷺ فرمود: تو نسبت به من همانند هارون به موسی هستی جز آنکه بعد از من پیامبری نیست.

این جمله را پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حرکت پیامبر ﷺ برای جنگ تبوک فرمودند وقتی که حضرت علی علیه السلام را در مدینه به جای خویش نهاد تا منافقین نتوانند در نبود پیامبر ﷺ توطئه کنند. در آن زمان منافقین شایعه کردند که پیامبر ﷺ از حضور علی علیه السلام ناخشنود است، لذا به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که یا من باید بمانم یا تو، تو نسبت به من همانند هارون به موسی هستی جز آنکه بعد از من پیامبری نیست. این حدیث به خوبی نشان می‌دهد امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر ﷺ است همچنانکه هارون جانشین موسی علیه السلام بود.

ارزش این حدیث چنان عظیم است که وقتی معاویه به سعد بن ابی وقاص اعتراض کرد که چرا اباتراب (علی علیه السلام) را دشنام نمی‌دهی؟ وی گفت: تا زمانی که سه جمله پیامبر ﷺ را به یاد دارم هرگز علی علیه السلام را دشنام نمی‌دهم، یکی از این سه جمله همین «حدیث منزلت» بود و اضافه کرد، اگر یکی از این امتیازها برای من بود، نزد من از شترهای سرخ مو (که ارزش فوق العاده داشته است) محبوب‌تر می‌بود.

و در نقل دیگری گفت: اگر یکی از این سه امتیاز (مدال افتخار فرماندهی نبرد خیبر و ازدواج با حضرت فاطمه علیها السلام و حدیث منزلت) برای من می‌بود، نزد من از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، محبوب‌تر است.

شگفت آنکه معاویه در پاسخ وی گفت: هیچگاه نزد من پست‌تر از الان نبود، اگر چنین بود چرا با علی بیعت نکردی؟ چرا او را یاری ندادی؟ من

اگر آنچه تو شنیدی را از پیامبر ﷺ می‌شنیدم تا زنده بودم خدمتکار علی علیه السلام می‌بودم. (رک: الغدير، ج ۳، ص ۲۰۰)

برادر پیامبر ﷺ

۶. قال رسول الله ﷺ: أنت أخي في الدنيا والآخرة.

(مناقب خوارزمی با چند سند، الغدير، ج ۳، ص ۱۱۳ با اسناد و منابع فراوان)
پیامبر اسلام ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تو برادر من هستی در دنیا و آخرت.

این جمله را پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی فرمود که میان اصحاب برادری قرار می‌داد، در ابتدا پیامبر ﷺ برای حضرت علی علیه السلام کسی را قرار نداد، امیرالمؤمنین علیه السلام با نگرانی و چشم‌های اشک آلود نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: مرا چه شده که میان من و هیچ کس برادری قرار نداده‌اید؟ حضرت فرمود: تو برادر من هستی در دنیا و آخرت.

و در روایت دیگری فرمود: سوگند به آنکه مرا به حق به پیامبری مبعوث نمود، تو را به آخر نینداختم جز برای خودم... و فرمود: تو برادر من هستی و من برادر تو هستم. (الغدير، ج ۳، ص ۱۱۵)

به این جهت بود که در جنگ جمل، عایشه به مردی که افسار شترش را گرفته بود، گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام کجاست؟ مرد گفت: او آنجاست، ایستاده و دست به آسمان بلند کرده است (مشغول دعاست). عایشه نگاهی کرد و گفت: چقدر او شبیه برادرش می‌باشد؟! آن مرد گفت: برادر علی علیه السلام کیست؟ عایشه در پاسخ گفت: رسول الله ﷺ، مرد گفت: من با مردی که برادر رسول الله ﷺ است نخواهم جنگید. سپس افسار شتر عایشه را رها کرد و به طرف حضرت علی علیه السلام آمد. (الغدير، ج ۳، ص ۱۲۱)

منم شهر علم و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درب آن

۷. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ، وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

(مناقب خوارزمی، مستدرک حاکم، کفایة الطالب و ابن عساکر از اهل سنت که حدیث را صحیح شمرده‌اند، رک: الغدیر: ج ۳، ص ۹۷ و درج ۶، ص ۶۱ این حدیث را از ۱۴۳ نفر از علماء اهل سنت قرن ۳ تا قرن ۱۳ نقل کرده است) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من شهر علم هستم و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درب آن است، هر که علم می‌خواهد، باید از درب درآید.

خوارزمی گوید: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازوی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرفت و فرمود: این شخص فرمانروای نیکان و نابود کننده کفار است؛ هر که او را یاری دهد، یاری می‌شود و هر که او را واگذارد، وا گذاشته می‌شود (یعنی خداوند او را یاری نمی‌کند) سپس حضرت با صدای بلند فرمود: من شهر علم هستم و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درب آن است، هر که علم می‌خواهد، باید از درب درآید.

سنجه ایمان

۸. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ.

(مجمع الزوائد، مسند احمد بن حنبل، سنن نسائی، صحیح مسلم و انبوه علماء اهل سنت، رک: الغدیر: ج ۳، ص ۱۸۳) پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: تو را دوست نمی‌دارد مگر مومن و دشمن نمی‌دارد مگر منافق.

به این جهت بود که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اگر با این شمشیر بر بینی

مومن بزنم تا مرا دشمن دارد، دشمن نخواهد شد و اگر همه دنیا را بر منافق بریزم تا مرا دوست دارد، دوست نخواهد شد. زیرا این مسئله حتمی شده و بر زبان پیامبر اُمی ﷺ جاری گشته که فرمود: یا علی ﷺ هیچ مومنی تو را دشمن ندارد و هیچ منافقی تو را دوست ندارد. (رک: الغدير، ج ۳، ص ۱۸۴)

به همین جهت صحابه، منافقین را در زمان پیامبر ﷺ با بغض امیرالمؤمنین ﷺ می شناختند. (الغدير، ج ۳، ص ۱۸۱)

جالب آنکه ابن حیان اندلسی به بدرالدین بن جماعة از علمای اهل سنت گفت: علی بن ابیطالب ﷺ فرموده است: همانا پیامبر اُمی ﷺ با من عهد کرده است که مرا دوست ندارد جز مومن و دشمن ندارد جز منافق، آیا علی ﷺ در این روایت راستگوست؟ بدرالدین گفت: آری؛ ابن حیان گفت: پس کسانی که با علی ﷺ جنگیدند و بر او شمشیر کشیدند، آیا او را دوست می داشتند یا دشمن او بودند؟ (الغدير، ج ۳، ص ۱۸۴)

سرپرست هر مؤمن

۹. قال رسول الله ﷺ: **إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ وَ هُوَ وَليُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي.**

(بزرگان اهل سنت این حدیث را با سندهای صحیح نقل کرده اند مثل احمد حنبل در مسند و حاکم نیشابوری در مستدرک و ... رک: الغدير، ج ۳، ص ۲۱۵)

رسول اکرم ﷺ: همانا علی ﷺ از من است و من از او هستم و او سرپرست هر مؤمنی است بعد از من.

این سخن را که دلالت بر امامت و خلافت امیرالمؤمنین ﷺ می کند، پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به اعتراض عده ای از صحابه که از

امیرالمؤمنین علیه السلام ناراحت بودند، بیان کردند در حالی که رنگ مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله دگرگون بود، فرمود: علی علیه السلام را رها کنید؛ علی علیه السلام را رها کنید؛ علی علیه السلام را رها کنید؛ همانا علی علیه السلام از من است و من از او هستم و او سرپرست هر مومنی است بعد از من.

حق با علی علیه السلام است و علی علیه السلام با حق

۱۰. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: **عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ.**

(این حدیث را بسیاری از اعلام اهل سنت مثل ابن مردویه، سمعانی، دیلمی، ابن قتیبه و زمخشری با تعابیر نزدیک نقل کرده‌اند، رک: الغدير، ج ۳، ص ۱۷۸) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام است، هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض (کوثر) نزد من آیند.

شگفت آنکه یکی از راویان این حدیث عایشه است، به همین جهت بود که وقتی سپاه عایشه در جمل از امیرالمؤمنین علیه السلام شکست خورد و عایشه در خانه‌ای در بصره رفت، برادرش محمد نزد او آمد و به او گفت: تو را به خدا سوگند یادت می‌آید آن روز را که به من گفتی، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حق هرگز از علی علیه السلام جدا نمی‌شود و علی علیه السلام با حق است و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند؟ عایشه گفت: آری. (همان)

و ام سلمه همسر باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز حدیث را روایت کرد، وقتی که ابو ثابت از طرفداران امیرالمؤمنین علیه السلام نزد او آمد، ام سلمه گفت: مرحبا ای ابا ثابت، دلت به کجا پرواز کرد وقتی دل‌ها به پرواز درآمد؟ (یعنی منحرف شد) وی گفت: دنبال علی بن ابیطالب علیه السلام رفت. ام سلمه گفت: موفق شدی، سوگند به آنکه جانم در دست اوست از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که

می فرمود: علی علیه السلام با حق و با قرآن است، و حق و قرآن با علی علیه السلام هستند، هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند. (رک: الغدير، ج ۳، ص ۱۷۸)

به همین جهت است که مفسر بزرگ اهل سنت، امام فخر رازی در اول تفسیر خود در بحث بلند گفتن بسم الله گوید: به تواتر ثابت شده که علی بن ابیطالب علیه السلام بسم الله را (در نماز) بلند می گفت و هر که در دین خود به علی بن ابیطالب علیه السلام اقتدا کند، حتماً هدایت یافته است و دلیل این مطلب، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است که عرضه داشت: خدایا حق را در محور علی علیه السلام قرار ده هر کجا که می گردد. (رک: الغدير، ج ۳، ص ۱۷۸)

این سهم تو و این سهم من!

۱۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ علیه السلام أَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ تَقُولُ لِلنَّارِ هَذَا لِي وَهَذَا لَكَ.

(این حدیث را تعداد زیادی از علمای اهل سنت نقل کرده اند مثل ابن حجر در صواعق و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه و آن را مستفیض خوانده است، رک: الغدير، ج ۳، ص ۲۹۹ و از شیعه تفسیر قمی و عیون الأخبار و ...)

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی علیه السلام! تو قسمت کننده بهشت و جهنم هستی در روز قیامت، به آتش می گویی: این سهم تو و این سهم من.

و در روایت است مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قسمت کننده بهشت و جهنم است؟ حضرت فرمود: چون محبت او ایمان و بغض او کفر است، و بهشت تنها برای اهل ایمان است و آتش جهنم برای کفار خلق شده است پس او قسمت کننده بهشت و جهنم است. (علل الشرائع، مختصر بصائر الدرجات، دانشنامه

امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۸، ص ۲۱۸)

مأمون نیز از امام رضا علیه السلام در این مورد سوال کرد و حضرت همان جواب را بیان کرد و فرمود: وقتی تقسیم بهشت و جهنم بر اساس حب و بغض امیرالمؤمنین علیه السلام است، پس اوست قسمت کننده بهشت و جهنم. مأمون گفت: یا ابوالحسن، خداوند مرا بعد از تو باقی نگذارد، گواهی می‌دهم که تو وارث علم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستی. اباصت می‌گوید: وقتی حضرت به طرف منزل حرکت کرد، به حضرت گفتیم: ای پسر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه زیبا به مأمون جواب دادی. حضرت فرمود: پاسخی که دادم به تناسب او بود، همانا شنیدم پدرم از پدران او از علی علیه السلام روایت نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی علیه السلام تو قسمت کننده بهشت هستی در روز قیامت، به آتش می‌گویی این برای تو و این برای من.

این رباعی منسوب به شافعی امام اهل سنت است: علی علیاً حُبُّهُ جُنَّةٌ، قَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ، وَصِي الْمُصْطَفَى حَقًّا، إِمَامُ الْإِنْسِ وَالْجِنَّةِ. یعنی: دوستی علی سپر جهنم است، او قسمت کننده بهشت و جهنم است، او وصی بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، امام انسان و جن می‌باشد. (ینابیع المودة، ج ۱، ص ۲۵۴)

معدن اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: عَلِيٌّ عَلِيٌّ عَيْبَةُ عَلِيٍّ.

(مناقب خوارزمی، مناقب کنجی، فرائد حموی و دیگر علما اهل سنت، رک: الغدير، ج ۶، ص ۸۰)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی علیه السلام جایگاه دانش من است. مناوی از علما اهل سنت می‌گوید: یعنی دانای به اسرار دانش من و

شخصیت پیوسته با من و محل سرّ من و معدن امور ارزشمند (علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است). عیبۀ به محلی می‌گویند که آدمی امور گرانبهای خود را در آن قرار می‌دهد.

ابن درید گوید: این جمله از سخنان کوتاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که قبل از حضرت، سابقه ندارد کسی از این مَثَل استفاده کرده باشد برای اختصاص علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ به امور باطنی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که هیچکس از آن آگاه نیست.

و این نشان از مدح بی‌نهایت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است و حتی دشمنان در باطن و درون خود او را تعظیم می‌کردند. (رک: الغدير، ج ۶، ص ۸۰)

علامه امینی رَحِمَهُ اللهُ از برخی علمای اهل سنت نقل می‌کند که می‌گویند: به این جهت بود که صحابه در مشکلات، نیازمند او (علی عَلَيْهِ السَّلَامُ) بودند و به همین جهت سرور ما معاویه!!! مشکلات خود را از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌پرسید (با فرستادن پیک) و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پاسخ می‌داد. برخی به حضرت می‌گفتند: چرا پاسخ دشمن را می‌دهی؟ و او می‌فرمود: آیا کافی نیست که او نیازمند ما می‌باشد؟

و او مشکلاتی را برای سرور ما عُمَرُ!!! برطرف کرد تا جایی که عُمَرُ گفت: خدا مرا زنده نگذارد که ابوالحسن را در میان جمع نبینم و پس از نقل برخی از آن موارد می‌گوید: عُمَرُ گفت: لَوْلَا عَلِيُّ لَهْلَكَ عُمَرُ؛ اگر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نبود، عُمَرُ هلاک شده بود. (الغدير، ج ۶، ص ۸۰ و ۸۱)

بلکه این جمله از عثمان نیز بعد از آنکه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ مشکلش را حل کرد، گزارش شده که گفت: لَوْلَا عَلِيُّ لَهْلَكَ عُثْمَانُ. (الغدير، ج ۸، ص ۲۱۴)

گذرنامه بهشت

۱۳. قال رسول الله ﷺ: عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْحَوْضِ، لَا

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(مناقب ابن مغالزی ص ۳۱۳، قرشی در شمس الاخبار، فرائد السمطين، الرياض النضرة و کتابهای دیگر از اهل سنت با تعابیر گوناگون؛ رک: الغدير، ج ۲، ص ۳۲۳)

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: علی علیه السلام روز قیامت بر حوض (کوثر) است، کسی وارد بهشت نمی شود مگر اجازه نامه ای از علی بن ابیطالب علیه السلام داشته باشد. در روایت دیگری آمده است، روزی ابوبکر و حضرت علی علیه السلام در مسیر به یکدیگر رسیدند و ابوبکر خندید. حضرت فرمود: چرا خندیدی؟ گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: هیچکس از صراط (پل روی جهنم که گذرگاه بهشت است) عبور نمی کند، مگر کسی که علی علیه السلام برای او اجازه عبور نوشته باشد. (الرياض النضرة، صواعق المحرقة، اسعاف الراغبین، رک: الغدير، ج ۲، ص ۳۲۳ و در میزان الاعتدال و لسان المیزان و حلیة الاولیاء نیز شبیه آن آمده است)

تنها کشتی نجات

۱۴. قال رسول الله ﷺ: لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَثَلُكَ وَ مَثَلُ الْاِئِمَّةِ مِنْ

وُلْدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ

عَنْهَا غَرِقَ...

(کمال الدین صدوق رحمه الله، أمالی صدوق رحمه الله، بشارة المصطفى، فرائد السمطين، رک: دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۸، ص ۱۳۴)

پیامبر گرامی ﷺ به حضرت علی علیه السلام فرمود: مَثَلُ تُو وَ مَثَلُ اِمَامَانِ از فرزندان، همانند کشتی نوح علیه السلام است، هر که سوار شد، نجات یافت و هر که از آن جا ماند، غرق گردید.

این حدیث در میان علمای اسلام به «حدیث سفینه» مشهور است و تردیدی در آن وجود ندارد و از مهم‌ترین ادله بر حقانیت مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

در روایت است، ابوذر غفاری در حالی که درب کعبه را گرفته بود، گفت: هر که مرا می‌شناسد، همان هستم که می‌شناسد، هر که نمی‌شناسد، من ابوذر هستم. شنیدم که پیامبر ﷺ می‌فرمود: أَلَا إِنَّ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُم مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ بدانید که مثل اهل بیت علیهم السلام من میان شما، همانند کشتی نوح علیه السلام است برای قوم او، هر که سوار شد، نجات یافت و هر که جا ماند، غرق شد. (حاکم نیشابوری از علمای اهل سنت در المستدرک، شیخ طوسی رحمه الله در أمالی، صدوق رحمه الله در کمال الدین، رجال کثی دیگر بزرگان شیعه آن را نقل کرده‌اند)

حضرت رسول ﷺ این حدیث را در موارد گوناگون بیان فرموده است، امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل فرمود: پیامبر ﷺ روزی بعد از عصر در نیمه ماه رمضان در حالی که مهاجرین و انصار حاضر بودند و حضرت روی منبر ایستاده بود، فرمود: علی علیه السلام و دو پسر من از او که پاکیزه‌گاند، از من هستند و من از ایشانم، و ایشانند آن پاکان بعد از مادرشان و ایشان همان کشتی هستند که هر که سوار شد، نجات یافت و هر که جا ماند، هلاک شد، نجات یافته در بهشت و هلاک شده در جهنم است. (بشارة المصطفى)

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: حسن و حسین علیهم السلام نسبت به حضرت محمد ﷺ در جایگاه دو چشم در سر هستند و اما من همچون دو دست

در بدن و اما فاطمه عليها السلام چون قلب در بدن (پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم) است، مثل ما مثل کشتی نوح عليه السلام است، هر که سوار شد، نجات یافت و هر که جا ماند، هلاک شد. (کتاب سلیم بن قیس)

امتیاز این حدیث در آن است که اهل بیت عليهم السلام را تنها کشتی نجات می‌داند، نه یکی از کشتی‌های نجات، تا گفته شود پیروی از دیگران هم نجات بخش است. حدیث تاکید می‌کند راه نجاتی جز اهل بیت عليهم السلام نیست، راه‌های دیگر هلاکت است.

محبوب‌ترین خلق خدا

۱۵. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «اللَّهُمَّ ائْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كَلِّ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّيْرِ... فَجَاءَ عَلِيٌّ عليه السلام».

(المعجم الكبير طبرانی، مستدرک الصحيحین حاکم نیشابوری، مناقب ابن مغازی، أمالی شیخ طوسی رحمته الله، أمالی شیخ صدوق رحمته الله و بسیاری دیگر از علما اهل سنت و شیعه این حدیث که موسوم به «حدیث طیر» می‌باشد را نقل کرده‌اند) روزی برای پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم مرغ بریانی هدیه آوردند، حضرتش عرضه داشت: خدایا، محبوب‌ترین خلق خود را بفرست تا با من از این غذا بخورد. انس بن مالک که مدتی خادم حضرت بود و راوی اصلی جریان است، می‌گوید: ناگاه مردی آمد و در زد، امید داشتم یکی از انصار باشد اما دیدم علی عليه السلام است. گفتم: پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم کار دارد.

پیامبر گرامی صلى الله عليه وآله وسلم برای بار دوم عرضه داشت: خداوندا، محبوب‌ترین خلق خود را بفرست تا با من از این مرغ بخورد. به دنبال آن درب خانه زده شد، دیدم علی عليه السلام است. گفتم: مگر همین ساعت نیامدی و او برگشت. و پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم برای بار سوم دعا را تکرار کرد، در مرتبه سوم علی عليه السلام به

شدت درب زد، پیامبر ﷺ فرمود: باز کن، باز کن، باز کن. وقتی نگاه حضرت به علی ع افتاد از خوشحالی سه بار عرضه داشت: اللهم إلی، اللهم إلی، اللهم إلی؛ خدایا به سوی من.

سپس حضرت به علی ع فرمود: چه شد که دیر کردی؟ یا فرمود: چه چیز مانع رسیدن تو به من شد؟ حضرت عرض کرد: سه بار آمدم و آنس مرا برگرداند.

پیامبر ﷺ به آنس فرمود: چرا چنین کردی؟ وی گفت: دوست داشتم مردی از انصار باشد. و حضرت فرمود: ای انس! آیا در انصار کسی بهتر از علی ع است؟ آیا در انصار برتر از علی ع هست؟

آنچه ذکر شد برگرفته از مجموع روایات است که در این مورد ذکر شده است. انبوه علمای اسلام این حدیث را نقل کرده‌اند. برخی مثل حاکم نیشابوری، اسناد حدیث را در مجموعه‌ای گردآوری کرده است، وی در مستدرک گوید: بیش از ۳۰ نفر از اصحاب آن را از آنس روایت کرده‌اند. اسناد حدیث آنقدر زیاد است که مجال ذکر آنها نیست. ابن مغزلی در مناقب ۲۳ سند ذکر می‌کند و در حاشیه کتاب ده‌ها منبع از اهل سنت ذکر شده است.

آیا همین حدیث متواتر کافی نیست برای اثبات برتری امیرالمؤمنین ع بر مدعیان خلافت؟

گذشته از روایات فراوان دیگری که پیامبر ﷺ فرمود: عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ؛ علی ع برترین انسان است، هر که نپذیرد کافر شده است. (تاریخ دمشق، کنز العمال، تاریخ بغداد، تهذیب التهذیب و از شیعه: امالی صدوق ر، بشارة المصطفی، کشف الغمة، عیون اخبار الرضا ع، با الفاظ نزدیک به هم. رک: دانشنامه امیرالمؤمنین ع، ج ۸، ص ۱۶۴)

ضربت اسلام بر کفر

۱۶. قال رسول الله ﷺ: لَضْرِبَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِوَدٍّ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(مستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری، مناقب خوارزمی، تاریخ بغداد، رک: موسوعة امام علی عليه السلام، ج ۱، ص ۱۹۹)

نبی گرامی اسلام ﷺ فرمود: همانا ضربتی که علی عليه السلام به عمرو بن عبدود زد، از عمل امت من تا قیامت برتر است.

و در نقل دیگری فرمود: لضربة علي عليه السلام خيرٌ من عبادة الثقلين؛ ضربت علی عليه السلام بهتر از عبادت جن و انس است.

در نقل دیگری فرمود: لمبارزة علي بن أبي طالب عليه السلام لعمر بن عبدود يوم الخندق أفضل من أعمال أمتي إلى يوم القيامة؛ همانا مبارزه علی بن ابیطالب عليه السلام با عمرو بن عبدود از اعمال امت من تا روز قیامت برتر است.

این جمله را نبی مکرم ﷺ در پایان نبرد سهمگین خندق فرمودند زمانی که احزاب کُفر، همه با هم متفق شده بودند تا اساس اسلام را برچینند و خطر جدی کیان اسلام را فرا گرفته بود، و همه سپاه اسلام در وحشت فرو رفته بودند و سردار سپاه کفر یعنی عمرو بن عبدود رجز می خواند و مبارز می طلبید و کسی جرات مبارزه با او را نداشت و منافقین کار اسلام را تمام می دانستند تا آنکه امیرالمؤمنین عليه السلام که جوانی بود بیست و چند ساله، اجازه میدان گرفت و به نبرد با او شتافت.

پیامبر گرامی ﷺ در این لحظه مدال بزرگ افتخار اول را به حضرت داد و فرمود: بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ؛ همه ایمان در مقابل همه شرک

قرار گرفت. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، مجمع البیان، ینابیع الموده و...)

و سپس با حالت تضرع دعا کرد زمانی که علی علیه السلام مشغول مبارزه بود و عرضه داشت: خدایا در روز بدر، عبیده را از من گرفتی و در احد، حمزه علیه السلام را؛ امروز علی علیه السلام را برای من حفظ کن و مرا تنها مگذار و تو بهترین وارث هستی.

و سرانجام بعد از پیروزی مقتدرانه امیرالمؤمنین علیه السلام و کشته شدن سردار قریش به دست حضرت، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به استقبال افسر ارشد اسلام رفت و فرمود: مژده باد بر تو ای علی علیه السلام، اگر عمل امروز تو را با عمل امت محمد صلی الله علیه و آله مقایسه کنند، بر آن برتری خواهد داشت. ابوبکر، سر علی علیه السلام را بوسید و گفت: همه مهاجرین و انصار تا آخر عمر مدیون تو هستند.

ابن ابی الحدید معتزلی، عالم اهل سنت، گوید: ضربه‌ای که علی علیه السلام در روز خندق بر عمرو بن عبدود وارد کرد، بزرگتر از آن است که گفته شود: بزرگ یا گران بود، آن ضربه چنان بود که استاد ما گفته است: شخصی از او پرسید، علی علیه السلام نزد خدا برتر است یا ابوبکر؟ و او گفت: به خدا سوگند، مبارزه علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در روز خندق مساوی با اعمال تمامی مهاجرین و انصار و عبادت‌های آنهاست تا چه رسد به ابوبکر.

و حذیفه بن یمان از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شخصی که این فضیلت علی علیه السلام را منکر شده بود، گفت: سوگند به آنکه جان حذیفه در دست اوست، اقدام علی علیه السلام در آن روز از نظر پاداش برتر از اعمال اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است تا روز قیامت. (بحارالأنوار، ج ۳۹، ص ۳ و ۲)

هر آنکه مولا منم، علیست مولای او

۱۷. قال رسول الله ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ.

نبی مکرم اسلام ﷺ فرمود: هر که من مولای اویم پس علی مولا اوست؛ خدایا هر که او را دوست دارد، دوست بدار و با دشمن او دشمن باش و هر که او را یاری کند، یاری ده و هر که او را یاری نکند، یاری مکن. حدیثی است فوق تواتر که احمد بن حنبل با ۴۰ سند، طبری با ۷۰ سند، جزری با ۸۰ سند، ابن عقده با ۱۰۵ سند، ابوسعید بجستانی با ۱۲۰ سند، ابوبکر هیابی با ۱۲۵ سند، امیر محمد یمنی با ۱۵۰ سند، ابوالعلاء همدانی با ۲۵۰ سند آن را ذکر کرده‌اند از ۱۱۰ صحابی (یاران پیامبر ﷺ) که از حضرت شنیده‌اند) و ۸۴ تابعی (که صحابه را درک کرده‌اند) و از ۳۶۰ نفر از علمای اسلام در قرن‌های متمادی (رک: الغدیر، ج ۱)

این جملات را پیامبر اکرم ﷺ در سال دهم هجرت که سال آخر عمر شریف ایشان بود، بیان فرمودند، بعد از انجام اعمال حج، در هنگام بازگشت به مدینه در مقابل جمعیت انبوهی که تا ۱۲۴ هزار نفر ثبت گردیده است، حضرتش در روز پنجشنبه ۱۸ ذی‌الحجه در منطقه‌ای به نام غدیر خم دستور توقف داد و در گرمای شدید آفتاب، خطبه‌ای غرا ایراد نمود و در میان آن، مردم را بسیار به پیروی اهل بیت علیهم‌السلام سفارش نمود.

سپس دست علی مولا را که کنار او قرار داشت، گرفت و بلند کرد و فرمود: ای مردم چه کسی بر مومنین از خودشان سزاوارتر است؟ همه گفتند: خدا

و رسول او بهتر می دانند.

حضرت فرمود: خداوند مولای من است و من مولای مومنین هستم، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْلَاهُ، هر که من مولای اویم این علی مولای اوست. و این کلام را سه یا چهار بار تکرار نمود و سپس آن چهار دعا را بیان کرد و هنوز مردم متفرق نشده بودند که جبرئیل آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة: ۳) را آورد، یعنی: امروز دین خود را برای شما کامل کردم و نعمت خود را تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم.

سپس مردم دسته دسته به فرمان حضرت به پیامبر ﷺ تبریک گفته و با امیرالمؤمنین ﷺ بیعت کردند، از جمله خلیفه دوم که گفت: بَخِ بَخٍ لَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ؛ به ای پسر ابیطالب، که مولای من و مولای هر مرد و زن مومنی شدی.

ابن عباس گفت: به خدا سوگند که ولایت علی ﷺ بر گردن مردم واجب شد. و سپس حسان بن ثابت، شاعر پیامبر ﷺ، حادثه را به شعر سرود و تصریح کرد که پیامبر ﷺ آن حضرت را امام مردم قرار داد.

این حدیث که از مهم‌ترین ادله خلافت حضرت امیر ﷺ است، مخالفین او را به شدت به زحمت انداخته است، گاهی گفته‌اند مراد پیامبر ﷺ آن است که علی ﷺ دوست مردم است؛ این سخنی واهی است زیرا که هرگز در شأن پیامبر ﷺ نیست که آن جمعیت انبوه را برای اعلام این مسئله زیر گرما نگه دارد، تا دوستی مردم را با علی ﷺ بگوید، با آنکه همه مسلمانان با هم برادرند. و ده‌ها قرینه بر خلاف این توجیه است از جمله سخن خلیفه دوم که به علی ﷺ آن جمله را گفت.

تاسف آنجاست که امت اسلامی حتی به دوستی با حضرت هم وفادار نبودند و به خانه او هجوم بردند و چه صدمه‌ها که بر دختر پیامبر ﷺ وارد نکردند و علی علیه السلام را با شمشیر به مسجد برده، از او بیعت گرفتند و سرانجام به نبرد با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرداختند، به گونه‌ای که سب و ناسزای او را به طرفداری از معاویه، سنت قرار دادند.

روزی جوانی به ابوهریره در کوفه گفت: تو را به خدا، آیا شنیدی که پیامبر ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: خدایا دوست بدار هر که علی علیه السلام را دوست دارد و دشمن باش با هر که او را دشمن دارد؟

ابوهریره گفت: خدا شاهد است که شنیدم. جوان گفت: من خدا را شاهد می‌گیرم که با دشمن علی علیه السلام دوستی کردی و با دوست او دشمنی نمودی، سپس برخاست و رفت. (رک: الغدير، ج ۱، ص ۲۰۴)

اصبغ بن نباته که پیامی را برای معاویه از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام برده بود، بعد از احتجاج با معاویه، به ابوهریره که در مجلس بود، گفت: ای صحابی رسول الله ﷺ تو را به خداوندی که معبودی جز او نیست و به پنهان و آشکار عالم است و به حق حبیب او، حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بگو، آیا روز غدیر خم حضور داشتی؟ ابوهریره گفت: آری بودم؛ اصبغ گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راجع به علی علیه السلام چه شنیدی؟ گفت: شنیدم که می‌فرمود: هر که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای اوست، خدایا با دوست او دوستی کن و با دشمن او دشمن باش و یاری کن هر که او را یاری کند و واگذار هر که او را واگذارد؛ اصبغ گفت: ای ابا هریره، ولی تو با دشمن او دوستی و با دوست او دشمنی کردی. ابوهریره نفس عمیقی کشید و گفت: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.** (الغدير، ج ۱، ص ۲۰۳)

پاداش گفتن و شنیدن و نگاه به فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۸. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ علیه السلام فَضَائِلَ لَا تُحصى كَثْرَةً.

(بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، برای برادرم علی بن
ابی طالب علیه السلام فضائل بی شماری قرار داده است.
پس هر که یک فضیلت از فضائل او را بگوید و به آن باور داشته باشد،
خداوند گناهان گذشته او و بعد از آن را می آمرزد.
و هر که فضیلتی از فضائل او را بنویسد، تا وقتی اثری از آن نوشته هست،
ملائکه برایش استغفار می کنند.

و هر که گوش دهد به فضیلتی از فضائل او، خداوند گناهانی را که با شنیدن
انجام داده می آمرزد.

و هر که به نوشته ای از فضائل او نگاه کند، خداوند گناهانی را که با نگاه
انجام داده می آمرزد.

سپس فرمود: نگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است، خداوند ایمان
هیچ بنده ای را نمی پذیرد، مگر با ولایت او و بیزاری از دشمنان او.

سید حمیری جز به مجلس اهل البيت علیهم السلام علاقه نداشت

سلام و صلوات و رضوان خدا بر شاعر کم نظیر اسلام، اسماعیل بن محمد
حمیری معروف به سید حمیری، آن عاشق دلباخته اهل البيت علیهم السلام و از
اصحاب امام صادق علیه السلام که تمامی فضائل معروف علی بن ابیطالب علیه السلام را
به شعر درآورده بود. روزی وی بر سر گذر ایستاد و گفت: هر که فضیلتی از
امیرالمؤمنین علیه السلام بگوید که من در مورد آن شعر نگفته باشم، این اسب و

لباس گرانبها را به او می‌دهم.

مردم فضائل را می‌گفتند و او اشعار آن را می‌خواند تا آنکه مردی آمد و گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام خواست چکمه خود را ببوشد، یکی را پوشید ناگاه عقابی آمد و آن لنگه چکمه را بلند کرد و انداخت. ناگاه ماری از آن خارج شد و به سوراخی رفت.

سید حمیری اندکی فکر کرد و گفت: من در این مورد شعری نگفته‌ام. اسب و لباس را به آن مرد داد و بالبداهه شعری بلند در این مورد سرود. (هامش تنقیح المقال، ج ۱۰، ص ۳۳۰)

او چنان شیفته اهل بیت علیهم السلام بود که جز با مجلس یاد اهل بیت علیهم السلام مأنوس نبود و از مجلسی که در آن یاد آل محمد صلی الله علیه و آله نبود، ملول و دلتنگ می‌شد. (رک: تنقیح المقال، ج ۱۰، ص ۳۳۱)

خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در یوم الدار

۱۹. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا این علی علیه السلام، برادر من و وصی من و جانشین من در میان شماست، بشنوید از او و فرمانبردارش باشید.

این جملات را پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به هنگام نزول آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (الشعراء: ۲۱۴) یعنی: فامیل نزدیک خود را بیم بده؛ در مجلسی که به همین جهت ترتیب داده بود، بیان فرمود.

حضرتش به علی علیه السلام دستور داد تا غذایی را آماده کند و فرزندان عبدالمطلب را دعوت کند، تا دستور الهی را به آنها برساند.

حضرت امیر علیه السلام به مقدار سه کیلو نان آماده کرد، با یک ران گوسفند و

ظرفی از عسل و آنها را که حدود ۴۰ نفر بودند، دعوت کرد. با کمال تعجب، آن غذای اندک، همه را سیر کرد در حالی که یک نفر از آنها می‌توانست، همه آن غذا را بخورد.

وقتی همه از خوردن و آشامیدن فارغ شده‌اند و پیامبر ﷺ خواست سخن بگوید، ابولهب پیش دستی کرد و گفت: صاحب شما (یعنی پیامبر ﷺ) زودتر شما را سحر کرد و به دنبال آن جمعیت متفرق شد.

پیامبر ﷺ به علی ع دستور داد تا در روز دوم، تدارک غذا و نوشیدنی ببیند. وقتی همگی خوردند، حضرت رسول ﷺ فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، به خدا سوگند من جوانی از عرب را سراغ ندارم که برای قوم خود برتر از آنچه من آوردم، آورده باشد. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آوردم. خداوند به من دستور داده است، شما را به آن دعوت کنم. کدام یک از شما مرا در این امر کمک می‌کند تا برادر من و وصی من و جانشین من میان شما باشد. همه ساکت شدند، علی ع عرض کرد: من ای پیامبر خدا ﷺ کمک کار شما خواهم بود.

پیامبر ﷺ در حالی که دست در گردن علی ع گذارده بود، فرمود: این شخص، برادر من و وصی و جانشین من است در میان شما، از او بشنوید و اطاعت کنید.

آن جمعیت در حالی که می‌خندیدند برخاستند و به ابوطالب گفتند: به تو دستور داد از پسرت اطاعت کنی.

در برخی روایات آمده است، پیامبر ﷺ بار اول علی ع را نشاند و سخن را تا سه بار تکرار کرد و در مرتبه آخر آن جمله را فرمود.

حدیث یوم الدار را انبوه علمای اسلام به ویژه مورخین اسلامی آورده‌اند مثل طبری در تاریخ و کنز العمال و شواهد التنزیل و تاریخ ابن عساکر و

مسند احمد و سیره ابن كثير و تعداد فراوان ديگر كه اهل تحقيق را به كتاب الصحيح من سيرة الامام على عليه السلام، ج ۲، ص ۹ و دلائل الصدق، ج ۲، ص ۲۳۳ و المراجعات ارجاع مي دهيم.

آري پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله از آغاز بعثت به مسئله خلافت اميرالمؤمنين عليه السلام توجه تام داشت و در طول ۲۳ سال دوره نبوت نيز در موقعيت هاي گوناگون به آن پرداخت، تا آنكه در آخر عمر نيز در جريان غديرخم بر آن تاكيد كرد تا حجت بر همه تمام باشد.

نجوای خداوند با اميرالمؤمنين عليه السلام

۲۰. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا أَنَا أَنْتَجَيْتُهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ.

حضرت رسول اكرم صلى الله عليه وآله فرمود: من با على عليه السلام اسرار نمي گفتم، بلكه خدا بود كه با على عليه السلام اسرار مي گفتم!

اين حديث را انبوهي از علمای اسلام اعم از اهل سنت و شيعه روايت کرده اند كه جای ترديد در آن نيست، از اهل سنت، احمد حنبل در مسند، ترمذی در سنن، طبرانی در المعجم الكبير، متقی هندی در كنز العمال، خطيب در تاريخ بغداد و...

و از شيعه صفار در بصائر الدرجات، مفيد رحمته الله در الاختصاص و إرشاد، شيخ طوسي رحمته الله در امالي، طبرسي رحمته الله در مجمع البيان و...

لذا علامه مجلسي رحمته الله مي فرمايد: اين خبر با نقل فریقين با سندهای متعدد، ثابت، متواتر و صحيح است. (بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۵۷)

بعد از نبرد حنين و شكست مشركان، عده ای از آنها به طائف كوچ كردند. پيامبر گرامي صلى الله عليه وآله ابوسفیان را برای سرکوب آنها فرستاد اما وی ناکام برگشت و پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله خود به سوی طائف شتافت و آنها را محاصره

کرد و حضرت امیر علیه السلام را با گروهی روانه کرد تا هر بُتی یافتند، نابود کنند. حضرت امیر علیه السلام با جمعیت زیادی از سواران قبیله خثعم برخورد کرد، مردی به نام شهاب بیرون آمد و مبارز طلبید. هیچکس جرأت مقابله با او نداشت تا آنکه خود حضرت اقدام کرد و او را کشت. سپس با سپاه خود بر آنها یورش برد و بعد از شکستن بت‌ها، نزد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن حضرت علی علیه السلام تکبیر گفت و دست او را گرفت و مدتی طولانی با او در خلوت بود. عمر بن خطاب اعتراض کرد و گفت: آیا با علی خلوت می‌کنی و بدون حضور ما راز می‌گویی؟ اینجا بود که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آن مدال بزرگ را به امیرالمؤمنین علیه السلام داد و فرمود: من با علی علیه السلام راز نمی‌گفتم، بلکه خدا بود که با علی علیه السلام راز می‌گفت!

و این مقامی بس بلند است که ارتباط امیرالمؤمنین علیه السلام را با حضرت حق به صورت مستقیم نشان می‌دهد و این اوج مقام محدث بودن است که فرشته‌ای با ولیّ خدا سخن بگوید، ولی در این مورد خداوند متعال مستقیم با حضرت امیر علیه السلام سخن گفته است. به این جهت علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: این امر درجه‌ای نزدیک نبوت، بلکه از درجه برخی انبیاء که نبوت آنها به خواب بود، افزون است. (بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۵۷)

و الحمد لله اولاً و آخراً

قم المقدسة، دی ماه ۱۴۰۳ به مناسبت

۱۳ رجب المرجب ۱۴۴۶ میلاد مسعود امیرالمؤمنین علیه السلام

سید محمد نجفی یزدی